

بر اساس این ردایات، تکلیف ایشان در کسب و کار، آماده سازی خدمات  
 آن و آماده شدن برابر عرضه کالاها یا خدمات خود است، از اینجا به بعد  
 باید منتظر مراجعات متقاضیان کالاها یا خدمات باشند تا با خرید آن‌ها  
 کسب درآمد کنند، در این عصر، رسوم است کارگران ساختمانی در سرگذرها،  
 حیا با بنا و مراکز مراجع متقاضیان در انتظاری ایستند تا اگر نمایان آن‌ان را  
 برابر کار و اشتغال بپزند. مغازه داران صبح‌ها در بیفتارها بازی می‌کنند و  
 در انتظار مشتری می‌نشینند.

متقاضیان اشتغال در شرکتها و ادارات که نیروی کار آمزش دیده  
 و ماه‌ها پس از گذراندن دوران تحصیل و کسب مهارت استخدام می‌کنند  
 در آزمونهای سالانه جذب نیرو شرکت می‌کنند و با کسب امتیازات  
 بالا تر، جذب شرکتها و دستگاو ادارات می‌شوند.  
 خدمات و یادگارانها و اداریها و کار رضایی در آزمونهای اختصاصی  
 شرکت کرده و از این راه جذب و استخدام می‌شوند.  
 اگر کسی در خانه بنشیند و خود را در معرض انتخاب قرار ندهد، معمولاً  
 کسی بر اشتغال سرخ او نمی‌آید.

۴ - ~~نقد بر زندگی~~  
 زندگی

در یک تقسیم بنده ای ادوار زندگی انسان از نظر کسب درآمد و  
 مصرف به سه دوره تقسیم می‌شود:  
 دوره اول عمر: دوران مابین از اشتغال است، طبقاً در بخشی  
 از این دوران که دوره طفولیت است، دوره بازی و رشد جسمانی  
 است و بخشی از این دوران، دوره تحصیل دانش و مهارت است  
 در این دوران، انتظار اشتغال و کسب درآمد نیست و بهیچ و  
 بوجوهان و جوهان در حال تحصیل، مصرف کننده اند.

دوره دوم؟ دوران انتقال و کسب درآمد است، طبیعتاً در این دوران  
 درآمدها نشان در حدی است که زندگی او را تأمین می‌کند و ممکن است  
 امکان پس انداز داشته باشد، البته بر حسب مقدار درآمد بعضی  
 افرادی توانستند بخشی از درآمد مازاد بر معیشت متعارف خود را به  
 دیگران اقباق کنند.

دوره سوم؟ دوران پیرواز کارآمدگی و کلویت است، این دوره  
 امکان فعالیت و کسب و کار گسترده‌تری می‌باید یا به کلی از دست می‌رود و غالباً  
 افراد مصرف‌کننده‌اند.

بنابراین، باید در دوران دوم عمر که دوران فعالیت است، انسان بدر  
 اندیشه ایجاد ذخیره سرمایه و سرمایه‌گذاری باشد تا در دوران سوم عمر  
 نتیجه پس انداز و سرمایه‌گذاری خود را مورد استفاده قرار دهد.

این معنا در روایات تحت عنوان "المعاد" و تفسیر معنی طراح شده است  
 و در آیه شریفه تحت عنوان "قوام" طراح شده است

"والذین اذا انفقوا لم يسرفوا ولم يقتروا وكان بین ذلك قواماً" (نشان/۶۷)

خداوند در تفسیر "بمباد الرحمن" می‌فرماید: آنان هرگاه هزینه یا اقباق  
 کنند نه اسراف می‌کنند و نه امانت‌گیری، بلکه بین این دو در حد  
 قوام (اعتدال) عمل می‌کنند.

این آیه هم شامل هزینه کردن برابر زندگی شخص و عائله می‌شود و هم  
 مل اقباق فی سبیل الله می‌شود.

اعتدالاً در زبان عربی به معنای میان روی، نه تندرستی و نه کندی روی  
 و معادل عمل کردن است.

امیر المؤمنین علیه السلام در خطبه سقین می فرماید :

دعا میکنند بنیاهم اهل القضاء، منقطعهم الصواب و ملبم الاقتصاد و

مشیم التواضع ...

هر هیز لگران صاحبان قضای اند، منقطع و گفتار آنان صواب (حق) است و شمار آنان میان روی و سنی آنان کراضع است .

در زندهگی اقتصادی نیز، اقتصاد بیانه روی در هزینه زندهگی، مصرف به مقدار نیاز در همه موارد مصرف است ، نه اسراف و نه تبذیر و نه سخت گیری در هزینه زندهگی خود و خانواده .

بعضی ها در جوانی که کوانامی آنان زیاد است، دچار غرور و غفلت می شوند ، گرفتار دوستان ناباب می گردند و به عیش و نوش می پردازند و زیاده روی می کنند و گرفتار می شوند ، زیرا عزت خود را از دست می دهند . روایات حکایت را به اقتصاد و میان روی در نصیحت و به تبریر در زندهگی به مناسبت اندیشی دعوت می کنند .

۱- محمد بن علی بن الحسین باسناده عن محمد بن زرارة ، عن ابي عبد الله (عليه السلام) انه قال له : يا مبيد ان السرف يورث الفقر ، وان العفة يورث الغنى ، (جو علی ، ج ۱ ص ۱۷۲ ، حدیث ۶۴ ص ۲۱۹۹۳)

۲- قال : وقال العالم (عليه السلام) : صمت لمن اعتصم ان لا يفتقر (هان ، حدیث ۲۱۹۹۳)

۳- قال : وقال علي بن الحسين (عليه السلام) : ان الرجل لينفق ماله في حق ذاته لسرف ، (هان ، حدیث ۶۴ ص ۲۱۹۹۴)

۴- وباسناده عن الاصبغ بن نباتة عن امير المؤمنين (عليه السلام) انه قال : للسرف ثلاث ملامات ؟ يا اكل ماليس له ويسد ما بها [ما] ليس له ، ويلبس ماليس له ، (هان ، حدیث ۶۴ ص ۲۱۹۹۵)

٥- محمد بن يعقوب، من مرة من أصحابنا، عن أحمد بن محمد، عن ابن فضال، عن  
داود بن سرحان، قال: رأيت أبا عبد الله (عليه السلام) يهكّل تمرًا بيده،  
وقلت: جعلت لداك، لو أمرت بعض ذلك أو بعض مواليك فيلغيك،  
قال: يا داود إنه لا يصلح المرء المسلم إلا ثلاثة: التفقه في الدين، والصبر  
على النابتة وحسن التقدير في المسئلة، (هنا، ص ٦٥ حديث ١٩٩٤)

رواه الصدوق مرثلاً من قوله: لا يصلح المرء المسلم إلى آخره.

٦- وعن محمد بن اسماعيل، عن الرضا بن تادان، عن أبي عبد الله، عن ربه،  
عن رجل، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: الكمال كل الكمال في ثلاثة، فذكر  
في الثلاثة: التقدير في المعئلة، (هنا، حديث ١٩٩٧)

٧- محمد بن الحسن بإساده عن الحسن بن محمد بن سماعه، عن هشام بن سدير،  
عن أبيه، عن أبي جعفر (عليه السلام) قال: من ثلاث المرات ثلاث: حسن  
التقدير في المعئلة، والصبر على النابتة، والتفقه في الدين، قال:  
ما خير في رجل لا يقصد في معسلة، ما يصلح له نابه ولا لاخرته، (هنا، حديث  
ص ٩٤)

حديث ١٩٩٩ (٢)

٨- در تفسیر المیزان "بمعنى آية لا تسرفوا في السرقة" من قوله: لا تسرفوا في السرقة،  
السرقة التي اعطى من اعطى من رامتة عليهم وتسع من تسع من هوان به عليهم، لا تسرفوا

عن أبي عبد الله (عليه السلام) المال، قال الله ليضعه عند الرجل ودائع و  
جوز لهم ان يأكلوا قصده ويلبوا قصده او ينكحوا قصده او يركبوا قصده او يوردوا

ويصرفوا قصده  
بما سوى ذلك على فقراء المؤمنين ويلبوا به سعة، فمن فعل ذلك كان  
ما يأكل حلالاً وسيرب حلالاً ويركب حلالاً وينكح حلالاً ومن عمداً ذلك  
كان عليه حراماً - ثم قال: - ولا تسرفوا انه لا يجب السرقة، ان ترى الله  
انتم رجلاً على مال حول له ان يسرى خيراً بعشرة آلاف درهم ويجزى به  
رأس بعشرين درهماً ...

به مناسب نقل آیه در روایات تدریس و تقدیر نیست و اعتقاد و اسراف نیز و محرم  
شسته است این مفاهیم و کاربرد آنها بنشین گردد .

واژه اعتقاد، در عصر حاضر به معنای بسیار گسترده (به لاری رود)، اعتقاد  
علم پیشرفته است که حدود سه قرن از ظهور آن می گذرد و دانشمندان  
بسیاری بارها اندازی مکاتب معتقد و اعتقادی این علم را بررسی  
داده اند .

این علم از جهت نظری شامل دو حوزه هنجاری و اثباتی می شود  
در حوزه صمیمی مبانی اندیشه و فلسفه اعتقاد مطرح می گردد و در  
حوزه اثباتی، عملکرد این مبانی و فلسفه در قلمرو جامع مورد  
مطالعه و بررسی میگردد، این علم اثباتی نظریات دانشمندان اعتقاد  
در دو نگاه فرد کلان و ادر موضوعاتی داشته تولید و توزیع و  
صرف در فکر و اعتقاد و بین المللی شامل می شود

اما واژه «اعتقاد» در روایات در حوزه رفتار و صرفی به کار  
رفته است و در مقابل دو مفهوم اسراف و تقصیر قرار گرفته است  
البته کلمه واژه منحصر به مصرف نیست، بلکه در آیات قرآن و

روایات در موارد دیگری نیز به کار رفته است مانند :  
- و اعتقد فی مسیك <sup>و غیره</sup> که معنی حرکت نه تند و نه کند، یا کلاماً  
سایه روی در هم اندر .

- و علی الله عقد البسیل ( النحل / ۹ ) به معنای راه راست و بدون انحراف
- لولا ان عرضنا و ربنا و سوا ما عهد الا بتعرج ( التوبه / ۴۲ ) به معنای  
سفر آسان و نزدیک آمده است
- منهم جمالم لبقته و منهم معتقد ( فاطر / ۳۲ ) به معنای عاقل و میانرود
- منهم امة معتقدة ( المائده / ۶۴ ) به معنای است با انصاف است

ولی غالباً در زبان عربی واژه «المسأد» به همان معنای اعتدال و بیان در آمده است  
 واره «اسراف» در زبان عربی به معنای فراط و تجاوز از حد در هر کاری  
 و به معنای ظلم است.

- قل یا عبادی الذین اسرفوا علی انفسهم لا تقطعوا من رحمة الله (النور / ۵۳)

در این آیه اسراف به معنای ظلم به کار رفته است

- کلو آواکسربوا وکاسرفوا (الاعراف / ۳۱)

در این آیه به معنای زیاده روی در خوردن و یا هدر دادن خوراکها آمده است

- ومن مثل مظلوماً فقد جعلنا لولیه سلطاناً فلما سیرف فی القتل، انه کان مفسواً  
 (الاسراء / ۳۳) در این آیه اسراف به معنای قتل افراد غیر از تمانی است

- ولقد نجینا بنی اسرائیل من العذاب الیهین، من فرعون، انه کان بما لبنا

من المسرین. (الدخان / ۳۰ و ۳۱) در این آیه فرعون، سرکش از

اسرائیلکاران معرفی شده است، مقصود زیاده روی در صغیان و

سرکشی است.

اما در عرصه تدبیر مصیبت، اسراف به معنای خروج از اعتدال در هزینه‌ها

و زیاده روی در مصرف است.

واره «بیتیر» لغوی اسراف به معنای ریختن و پاشیدن است در

ردای آمده: (البیتیر من الاسراف، ظاهر آیه معنای هدر دادن هر

چیزی است که نقصی دارد.

و آت ذی القربی حقه و المسکین و ابن السبیل و لا یتذیر یتذیرا

ان الیهذیرین کانوا اخوان الشیاطین و کان الشیطان لریبه کفورا

(الاسراء / ۲۶ و ۲۷)

در این آیه ضمن فرمان به ادا و حق ذی القربی و مسکین و در راه

مانده می فرماند: بتذیر نکن، یعنی در غیر مورد مصرف مال، آن را

مصرف نکن، در تفسیر میاشی آمده است: من التوق شیئاً فی غیر

ط مة الله فهو مبذور من اتفق في سبيل الله فهو مستفهد، البته در  
 نيزال به مسلمين و ابن السبيل هم بايد در هر استحقاق آنها اتفاق صورت  
 بگيرد و نه بشتر، خداوند تبه بر كشته گان را نظاير شيان مهن معرفي فرموده  
 است. كه نعمتها خداوند را كفران مي كند.

مفهوم «قوام» در آيه «وكان بين ذلك قواما» به معنای حدود و  
 ميانه و معدل است، حدى مابين اسراف و اقتدار،  
 نه چندان بخور كه زدهايت بر آيد نه چندان كه از نصف جانت بر آيد،  
 معتد از تقدير مصيب و تبه بر مياش نيز رعایت حد اعتدال در  
 زندگي، بدون افراط و تفریط است.

تقدير، معنی اندازه بگيرد استن و بر نامه رنيز كردن و پس سني  
 شرايط زندگي زيرا زندگي اقبال و ادبار دارد، شيب و فراز دارد،  
 تلخي ها و شیريني ها دارد، آن ن عائق و دوران دشوار در روزگار  
 اقبال دنيا بگذرانند شير روزگار ادبار نيز هست و با احتياط گام  
 پريمي دارد، همه داشته ها را خود را در روزگار اقبال دنيا حواج  
 نمي كند، بلكه پرا روز مبادا نيز درانه شير است و هزينه ها را و  
 بيخاني ها و پي بر اينها را و حساب شده است، نه سهل مي گيرد و  
 نه سخت گيرد مي كند.

تنوع در خوراك، تنوع در لباس، تنوع در وسايل مصيب  
 و زندگي و بد استن يك نداشتن - در همت فواصم بودن امكانات -  
 امر مطلوب و همدمي است، اما هين تنوع ها نيز بايد به اندازه

باشد.  
 و جنسيت ايران از مصرف آب، انرژی، برقی مواد معدنی، اسراف  
 آيز است و كمي از مواصلات اسراف، قيمت دار دستورات.